

جلسه دوم استاد حسینی ۱۵ آبان ۱۴۰۳

در مورد بحث مشاوره کودک و نوجوان گفتیم که چه وقت احتیاج به مشاور داریم. چه موقع باید نگران باشیم ما باید ابتدا شرایط سالم را دریابیم و بدانیم فرزندان در هر مرحله سنی و از هر نظر ویژگی‌هایی دارد بعد از این رابط و ویژگی‌ها را مطابقت دهیم و می‌گوییم فرزندان در این سن دارد الان کار را انجام می‌دهد طبیعی است در غیر این صورت متوجه ختلال می‌شویم و آن را شناسایی می‌کنیم که بچه مشکل دارد و چه مشکلی دارد حالا یا خودمان و یا با همراهی فرزندان مشاور مراجعه می‌کنیم و کمک می‌گیریم نیازهای اساسی انسان ۵ تا است که اگر ما این را مانند یک هرم فرض کنیم در ابتدای هرم نیازهای فیزیولوژیکی قرار دارد که شامل آب، خوراک، پوشاک، مسکن و نیازهای جنسی می‌شود بعد از آن نیازهای ایمنی است که شامل امنیت شخصی، امنیت خانوادگی، شغلی مالی و سلامتی است. مرحله سوم هرم نیازهای اجتماعی است که شامل عشق و دوستی رابطه محبت صمیمیت و احساس تعلق می‌شود. در یک تحقیق ۳۰۰ بچه بی‌سرپرست را در جایی جمع کردند و دو نیاز کف هرم و ابتدایی که نیاز فیزیولوژیکی و نیاز ایمنی است را برایشان فراهم کردند ولی بعد از مدتی دیدند که این بچه‌ها از هم جدا هستند و حتی منجر به مرگ تعدادی شده است نیازهای اساسی در یک انسان است که در واقع در زن هر آدمی وجود دارد. در روابط بین زن و مرد چیزی که باعث تشکیل خانواده می‌شود عشق و محبت است که این‌ها را در کنار هم قرار می‌دهد. چهارمین نیاز به عزت نفس است که شامل احترام ارزشمندی برابری با باقی اعضا نیاز به قدرت و آزادی است. پنجمین نیاز نیاز به خودشکوفایی است که شامل علم و اخلاق و دانایی و شکوفایی سندها و تبدیل شدن به نسخه بهترین خود که در راس هرم است. نیاز با خواسته متفاوت است و حتی می‌گوییم نیاز یعنی حیات اون غیرممکن است ولی وقتی می‌گوییم خواسته یعنی ما به غذا نیاز داریم ولی می‌خواهیم غذا کباب باشد کباب خواسته ماست ولی غذا نیاز است.

مراحل رشد انسانی کودک:

- ۱- مرحله اول همزیستی است یعنی هنوز فکر می‌کند که در شکم مادر است.
- ۲- مرحله چسبندگی دوخته شدن که حدود یک سالگی کودک است و مدام باید مادر را در کنار خودش احساس کند و داشته باشد.
- ۳- مرحله اعتیاد گونه که حدود سه سالگی است نسبت به کسی که از او مراقبت می‌کند اعتیاد دارد یعنی اگر مادر من نباشد من می‌میرم مدام نق می‌زند و مادر را طلب می‌کند.
- ۴- مرحله عادت که حدود ۵ سالگی است که بچه یاد می‌گیرد که زمان‌هایی را با نبود مادر کنار بیاید و قدرت تحمل نبود مادر را داشته باشد.



۵- مرحله وابستگی که حدود ۵ تا ۸ سالگی است کودک متوجه می شود که یک موجود نیازمند است و به تنهایی از عهده کارهایی مثل مشق و درس و خوردن و غیره بر نمی آید در این سن چون کودک عقلش به سوی بالندگی رشد می کند حساس می کند من برای برطرف کردن نیازهایم باید دائم پیش مادرم باشم و نکته مهم این است که این وابستگی دو طرفه است و مادر هم به خصوص در ۷ سالگی و اول دبستان به کودک وابستگی شدید دارد این مرحله بسیار مهم است که افراد در این مرحله باقی نماند و بتوانند از آن عبور کنند.

۶- مرحله رهایی و جدایی که بین ۸ تا ۱۲ سالگی است: یکی از مشکلات بزرگی که ما در جامعه مان داریم وابستگی و مهرطلبی است طلبی یعنی اینکه می خواهیم همه را از خودمان راضی نگه داریم که این دو مورد وابستگی و مهرطلبی دو بیماری بد محسوب می شود که بیشتر آسیب ها و مشکلاتی که ما در زندگی دچارش می شویم از همین دو موضوع سرچشمه می گیرد. آزادی و رهایی از نیازهایی است که در ژن هر انسانی نوشته شده است و باید تا جایی که می توانیم کودک خود را مستقل بار بیاوریم کنترل کردن چه در روابط زوجین چه در روابط و والدین و فرزند از هر طرف وارد شود عشق و محبت از طرف دیگر خارج می شود.

در ازدواج بین دختر و پسرها به اولین چیزی که باید توجه بشود چه دختر و چه پسر و چه والدین آنها این است که طرف مقابل به آزادی و استقلال رسیده باشد و وابستگی نداشته باشد و خودش تصمیم گیرنده باشد. موضوع استقلال با بی حرمتی کردن متفاوت است بچه باید حرف دیگران را بشنود ولی در نهایت خودش تصمیم گیرنده باشد. معنای استقلال و خودکفایی این است که جوان می تواند از عهده نیازهای خودش بر بیاید ولی در عین حال می تواند با کس دیگری نیز در رابطه باشد مثل خانواده مثل همسر و... برای ترغیب و تشویق کودکان به استقلال چه باید کرد؟ برای این کار ما باید به بچه ها انعطاف پذیری سازگاری و تاب آوری را بیاموزیم ما دو مفهوم داریم که یکی درد و دیگری مشقت است. ما نمی خواهیم به فرزندمان درد و رنج بدهیم ولی باید به آنها مشقت بدیم. مشقت یعنی اینکه همه آنچه که می خواهند را بلافاصله در اختیارشان قرار ندهیم باید گاهی محدودیت و محرومیت را تجربه کنند. از بچه ها خیلی سوال نپرسید اجازه دهید بچه ها هر وقت خودشون تمایل داشتند صحبت کنند به خصوص پسرها. پسرها یک خصوصیت اخلاقی دارند که خیلی دوست ندارند هم کلام بشوند و اهل توضیح دادن نیستند برخلاف دخترها.

- گفتگو در خانواده خیلی مهمه و در خانواده هایی که گفتگو هست کمتر است و بچه ها در نوجوانی اصلاً درگیر بحث سیاسی و امثال اون نمی شوند که از تلویزیون مدرسه اجتماع می شنوند بحث در مورد مسائل سیاسی بچه ها را دچار اضطراب می کند و بی اعتماد می شوند. اگر در مورد مسائل تربیتی بچه ها بخواهم یک جمله بگویم می گویم پول بدهید برای بچه ها دو ست خوب بخرید پول بدید یعنی هزینه کنید دو ست خوب بسیار در سلامت روان موثر است. هنگام خطا و اشتباه به جای سرزنش کردن نتیجه خطا و اشتباه را برایش تشریح کنید ما باید به بچه ها مون فرصت خطا و اشتباه بدهیم در این بین این خطاها فرصت هایی برای یادگیری هستند.

پایان مبحث جلسه دوم استاد حسینی